

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقہ

سطح ۲

درس ۲۲

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای خادمی

**مقدمه**

در درس گذشته دانستیم نمازهای چهار رکعتی مسافر قصر شده و تبدیل به دو رکعتی می شود و مسافر شرعی کسی است که قصد سفر هشت فرسخ را داشته باشد، و شرایط دیگری از جمله مباح بودن سفر، عدم قصد عبور از وطن در طول سفر، عدم قصد اقامت ده روز در طول سفر، و این که مسافر از کسانی که خانه اش به همراه او است نباشد و سفر را هم شغل خود قرار نداده باشد ذکر شد. مستند برخی از این مسائل هم مورد بررسی قرار گرفت. در این درس مستند مسائل باقی مانده از جمله این که لازم نیست سفر به صورت ممتد و پشت سر هم باشد بلکه اگر مقدار رفت و آمد هم هشت فرسخ باشد کافی است، و در صورت رفت و برگشت لازم نیست در همان روز برگردد، و شرط بودن استمرار قصد در طول سفر، و عدم قصد عبور از وطن را مورد بررسی قرار می دهیم.

## متن عربى

٦. واما انه لا يلزم فى المسافة ان تكون امتدادية بل تكفى التلقيفية، فلان الروايات فى المقام على ثلاثة اصناف: بعضها، كموثقة سماعة: «سألته عن المسافر فى كم يقصر الصلاة؟ فقال: فى مسيرة يوم، و هى ثمانية فراسخ» جعل المدار على الثمانية.
- و بعضها الاخر، كصحيحة زرارة عن ابى جعفر عليه السلام: «التقصير فى بريد، و البريد اربعة فراسخ» جعل المدار على اربعة.
- وثالث، كصحيح معاوية بن وهب: «قلت لابي عبد الله عليه السلام ادنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟ قال: بريد ذاهبا و بريد جائيا» جعل المدار على البريد ذاهبا اذا انضم اليه البريد جائيا.
- و بالثالث يحصل الجمع بين الاولين. بل فى صحيح محمد بن مسلم عن ابى جعفر عليه السلام «سألته عن التقصير، قال: فى بريد. قلت فى بريد؟ قال: انه ذهب بريدا و رجع بريدا فقد شغل يومه» تصريح بذلك.
٧. و أما عدم اعتبار الرجوع فى نفس اليوم فى المسافة الملققة خلافا لبعض، فلاطلاق صحيحة معاوية بن وهب المتقدمة: «قال: بريد ذاهبا و بريد جائيا».
- و دعوى انصرافها الى العود فى نفس اليوم او الليلة لا وجه لها خصوصا فى ذلك الزمان.
٨. و أما اعتبار استمرار القصد، فلأنه مع عدمه اما أن يفرض الرجوع و عدم الاستمرار فى قطع المسافة، و لزوم الإتمام فيه واضح لعدم تحقق قطع المسافة الذى هو شرط التقصير، او يفرض الاستمرار فى قطع المسافة، و فى مثله يجب الإتمام ايضا لأن ظاهر موثقة عمار عن ابى عبد الله عليه السلام «سألته عن الرجل يخرج فى حاجة فيسير خمسة فراسخ او ستة فراسخ و يأتى قرية فينزل فيها ثم يخرج منها فيسير خمسة فراسخ اخرى او ستة فراسخ لا يجوز ذلك ثم ينزل فى ذلك الموضع، قال: لا يكون مسافرا حتى يسير من منزله او قريته ثمانية فراسخ فليتم الصلاة» اعتبار القصد و اعتبار استمراره.
٩. و أما اعتبار عدم قصد المرور بالوطن، فلا بد لاستيضاحه من بيان امرين: احدهما: لم كان المرور بالوطن و لو بدون قصد مسبق قاطعا لحكم السفر بحيث يحتاج الى قصد مسافة جديدة و لا يضم ما سبق الى ما يأتى؟ ذلك لأن الخارج من وطنه الثانى كالخارج من الأول فى أن دليل وجوب القصر يحكم عليه بعدم القصر إلا بعد قصد ثمانية فراسخ من بعد الوطن لعدم الفرق بين الوطنين.

## کفایت طی مسافت تلفیقی<sup>۱</sup> در صدق سفر

دانستیم که لازم نیست مسافر مسافت هشت فرسخ را به صورت ممتد و پشت سر هم طی کند، بلکه اگر به صورت تلفیقی هم آن را طی کند، یعنی مجموع مسافت رفت و برگشت هشت فرسخ باشد در صدق مسافر بر او و در نتیجه قصر نماز، کافی است.

### روایات

#### گروه اول

روایاتی که ملاک قصر را طی هشت فرسخ ذکر کرده‌اند.

مثل روایت موثقه سماعه که از امام معصوم علیه السلام نقل نموده که از حضرت در مورد مسافر سؤال می‌کند که چه موقع و در چه مسافتی باید نمازش را قصر کند، حضرت می‌فرماید اگر به اندازه راه رفتن یک روز مسافت طی کند، که آن هشت فرسخ است.

۱. بیشتر بدانیم: واژه‌ی تلفیق در فقه در ارتباط با زمان و مکان و دو جنس به کار رفته و در باب‌هایی نظیر طهارت، صلات، صوم، نکاح و دیات به مناسبت آمده است.

تلفیق زمانی:

برخی موضوعات در شرع مقدّس دارای حدّ زمانی مشخصی هستند، مانند اقلّ حیض و اکثر آن، مدت اقامت برای مسافر جهت اتمام نماز، زمان اعتکاف، مدت رضاع «شیر خوردن» کودک و اقلّ حمل.

در حصول مدت، گاه نیاز به تلفیق زمان هست و گاهی نیاز نیست. آیا در همه‌ی موارد حکم صورت تلفیق با حکم صورت غیر تلفیق یکسان است؟

در اقلّ و اکثر حیض «سه و ده روز» تفاوتی بین صورت تلفیق و صورت غیر تلفیق نیست؛ از این رو زنی که ظهر روز نخست خون دیده و تا ظهر روز چهارم ادامه داشته است همه‌ی ایام یاد شده محکوم به حیض است و تا ظهر روز یازدهم مدت حیض به اتمام می‌رسد؛ و پس از آن چنانچه خونی ببیند محکوم به استحاضه است.

اقلّ حمل، شش ماه است، خواه با تلفیق و خواه بدون آن؛ از این رو، اگر مردی در نیمه‌ی ماه با همسرش آمیزش کند، پس از گذشت پنج ماه - بجز ماه آمیزش - و نیمی از ماه هفتم اقلّ حمل، محقق و جنین به مرد ملحق می‌شود.

مدت اعتکاف سه روز است. در کفایت سه روز به نحو تلفیق - مانند ظهر روز اول تا ظهر روز چهارم - اختلاف است.

مسافری که قصد کرده ده روز در جایی بماند، حکم حاضر را پیدا می‌کند. در کفایت ایام یاد شده به صورت تلفیق - همچون قصد اقامت از ظهر روز نخست تا ظهر روز یازدهم - اختلاف است. قول به کفایت به مشهور نسبت داده شده است.

شیر خوردن کودک از پستان زنی با شرایطی، سبب نشر حرمت است. تحقق رضاع بنا بر مشهور به یکی از سه راه است.

که یک شبانه‌روز شیر خوردن، از جمله‌ی آن‌ها است. در اینکه مراد از یک شبانه‌روز، ۲۴ ساعت است و تلفیق زمانی - مثلاً از ظهر تا ظهر روز دوم - کفایت می‌کند یا مراد یک شب و روز کامل است و تلفیق زمانی کفایت نمی‌کند، اختلاف است.

تلفیق مکانی:

مسافرت به مقدار هشت فرسخ استمراری یا تلفیقی «چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت» موجب قصر نماز می‌گردد. در فرض دوم اگر رفت کمتر از چهار فرسخ «مثلاً سه فرسخ» و برگشت بیشتر از آن «مثلاً پنج فرسخ» باشد در کفایت این نوع تلفیق جهت قصر نماز اختلاف است.

تلفیق دو جنس:

دیه‌ی قتل مسلمان صد شتر، یا دویست گاو، یا هزار گوسفند، یا دویست حله، یا هزار دینار، یا ده هزار درهم است. تلفیق یکی از آن‌ها با دیگری - مانند پنجاه شتر با صد گاو - بنا بر تصریح جمعی از فقها کفایت نمی‌کند؛ برخی نسبت به حکم مسئله تردید کرده‌اند.

منبع: فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص: ۶۲۰

## گروه دوم

روایاتی که ملاک را چهار فرسخ ذکر کرده‌اند.

مثل صحیحہ زرارہ از امام باقر علیہ السلام که از حضرت نقل می‌کند: وقتی نماز قصر می‌شود که یک برید را طی کند و یک برید چهار فرسخ است.

## گروه سوم

روایاتی که ملاک را چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت ذکر کرده‌اند.

مثل روایت صحیحہ معاویة بن وهب که نقل می‌کند: به امام صادق علیہ السلام عرض کردم کم‌ترین مقداری که مسافر در آن نمازش را باید قصر بخواند چه مقدار است؟ حضرت در جواب فرمودند: یک برید (که چهار فرسخ است) برود و یک برید بر گردد.

## جمع بین روایات

با تأمل در روایات ذکر شده روشن می‌شود که عبارت روایات در چگونگی طی مقدار مسافت شرعی سفر مختلف است، لذا باید ببینیم راهی برای جمع بین این روایات وجود دارد یا نه؟

مصنف این گونه بین روایات جمع می‌کند: روایت سوم را قرینه قرار می‌دهیم برای جمع بین روایت اول و دوم، در روایت اول مقدار مسافت را مسیری که در یک روز طی می‌شود، که هشت فرسخ است، ذکر کردند که ظاهر آن طی مسیر به صورت ممتد است، و روایت دوم چهار فرسخ، و روایت سوم ملاک را چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت ذکر نمود، لذا به قرینه روایت سوم استفاده می‌کنیم در روایت اول که فرموده ملاک چهار فرسخ است منظور حضرت چهار فرسخ در مسیر رفت است، چون روایت اول مسافت را هشت فرسخ ذکر کرد، لذا وقتی چهار فرسخ هم برگردد مجموع مسافت طی شده در مسیر رفت و برگشت هشت فرسخ می‌شود، و به این طریق بین روایات جمع حاصل می‌شود.

## صحیحہ محمد بن مسلم

علاوه بر این طریق جمع، روایت دیگری هم هست که می‌توان از آن برای اثبات این مطلب استفاده کرد؛ در صحیحہ محمد بن مسلم که از امام باقر علیہ السلام نقل کرده، می‌گوید: از امام علیہ السلام در مورد قصر شدن نماز سؤال کردم، حضرت فرمودند: اگر یک برید (چهار فرسخ) طی کند نمازش قصر است، سؤال کردم: یک برید؟ حضرت در توضیح فرمودند: یک برید رفته و یک برید برگشته است، و در طول آن روز این مسافت را طی کرده است.

در این روایت حضرت به صراحت فرموده‌اند که مقدار مسافتی که در یک روز طی می‌شود هشت فرسخ است، که چهار فرسخ آن مسیر رفت و چهار فرسخ آن مسیر برگشت است؛ لذا از این روایت که شامل مضمون هر سه روایت فوق است استفاده می‌شود که همه روایات در مقام بیان یک مطلب هستند و آن طی مسافت هشت فرسخ است که لازم نیست به صورت ممتد و پشت سر هم باشد، بلکه اگر به صورت تلفیقی و رفت و برگشت هم باشد در صدق سفر کفایت می‌کند.

## عدم لزوم بازگشت در همان روز در سفر تلفیقی

حال که روشن شد مسافر می‌تواند مسیر هشت فرسخ را به صورت تلفیقی طی کند، یعنی چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، این سؤال مطرح می‌شود که آیا باید بازگشت او در همان روز باشد، یا می‌تواند چهار فرسخ را در آن روز برود و چهار فرسخ دیگر را در روز یا روزهای بعد برگردد؟ همین سؤال باعث شده که این مسأله جزو مسائل اختلافی بین علما باشد، یعنی برخی قائل اند در همان روز باید برگردد، برخی قائل اند که لازم نیست بازگشت در همان روز باشد.

نظر مصنف این است که لازم نیست بازگشت در همان روز باشد.

## اطلاق صحیحہ معاویة بن وهب

از اطلاق صحیحہ معاویة بن وهب که در آن حضرت فرمودند: «چهار فرسخ در رفت و چهار فرسخ در برگشت» استفاده می‌شود آن چه ملاک است این است که چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، و قیدی برای آن ذکر نکرده اند که این رفت و برگشت باید چگونه و در چه زمانی باشد، لذا چون مطلق است هم شامل صورتی می‌شود که رفت و برگشت در یک روز واقع شود، هم صورتی که رفت در یک روز و برگشت در روز دیگری واقع شود.

## اشکال

شاید کسی ادعا کند: بیان امام علیه السلام انصراف به صورتی دارد که در همان روز یا همان شب برگردد، چون حضرت فرمودند: چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد.

## جواب

جواب این اشکال این است که: وجهی برای این انصراف<sup>۱</sup> وجود ندارد، و یک ادعای بی دلیل است، مخصوصاً با توجه به زمان امام صادق علیه السلام که سفرها به کندی و به صورت پیاده یا با چهار پا صورت می‌گرفته و معمولاً

۱. بیشتر بدانیم: انصراف دو گونه داریم.

انصراف از جهت کثرت استعمال.

معنایی از شنیدن یک لفظ به ذهن منصرف می‌شود که ناشی از کثرت استعمال لفظ در آن معنا می‌باشد.

انصراف از جهت کثرت وجود.

معنایی از شنیدن یک لفظ به ذهن منصرف می‌شود که به خاطر کثرت و غلبه وجودی خارجی آن معنا می‌باشد.

مشهور. انصراف ذهن از یک لفظ به معنای خاصی ناشی از کثرت استعمال باشد، مانع از اطلاق خواهد شد.

دلیل: این ظهور که از انصراف پیش می‌آید، مانند یک مقید لفظی می‌باشد و لذا اجازه ظهور کلام در اطلاق را نخواهد داد.

نتیجه: اگر انصراف به خاطر کثرت وجود و غلبه وجود خارجی باشد حق این است که مانع از اطلاق نخواهد شد.

توضیح بیشتر با مثال.

در صورتی که انصراف به دلیل غلبه وجود باشد انصراف بدوی است مثلاً اگر مطلقاً دارای افراد و مصادیقی باشد که بعضی از آنها غلبه خارجی دارند، این غلبه منشأ انصراف می‌شود؛ و انصراف بدوی با تأمل زائل شده و از بین می‌رود؛ زیرا مطلق همان طور که در افراد دارای غلبه خارجی استعمال می‌شود، در مابقی افراد نیز استعمال می‌شود و استعمال در افراد دارای غلبه، مانع از استعمال مطلق در بقیه افراد نیست.

در بین راه منزل گاه‌هایی وجود داشته که در آن استراحت کرده سپس به مسیر خود ادامه می‌داند، لذا با این اوصاف نمی‌توان ادعا کرد که روایت انصراف به صورت رفت و برگشت در همان روز یا شب دارد. (FG)

- |   |   |                                   |
|---|---|-----------------------------------|
| <p>۱. موثقه سماعه: مدار هشت فرسخ.</p> <p>۲. صحیح زراره: مدار چهار فرسخ.</p> <p>۳. صحیح معاویه بن وهب: مدار چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت.</p> | } | طوائف روایات در خصوص حد سفر       |
| <p>۱. صحیح معاویه بن وهب، وجه جمع بین موثقه سماعه و صحیح زراره.</p> <p>۲. صحیح محمد بن مسلم.</p>  | } | دلیل کفایت سفر تلفیقی در تحقق قصر |

## تطبيق

۶. و اما انه لا يلزم في المسافة ان تكون امتدادية بل تكفي التلقيفية، فلان الروایات في المقام علی ثلاثة اصناف: و اما این که لازم نیست مسافت ممتد باشد بلکه طی مسافت تلفیقی هم کفایت می‌کند، به خاطر این است که روایات این باب سه قسم است: بعضها، كموثقة سماعه: «سألته عن المسافر في كم يقصر الصلاة؟ فقال: في مسيرة يوم، و هي ثمانية فراسخ<sup>۱</sup>» جعل المدار علی الثمانية.

بعضی از آن‌ها مثل موثقه سماعه: «از حضرت سؤال کردم از مسافر که در چه مقداری نمازش را قصر می‌خواند؟ حضرت فرمود: در طی مسیر یک روز، و آن هشت فرسخ است» که ملاک را هشت فرسخ قرار داده است.

و بعضها الاخر، كصحیحة زرارة عن ابی جعفر علیه السلام: «التقصیر فی برید، و البرید اربعة فراسخ<sup>۲</sup>» جعل المدار علی اربعة.

به عبارت دیگر، ملاک، انطباق لفظ مطلق بر افرادش است و در هر موردی که معلوم گردد فردی مصداق مطلق می‌باشد، اطلاق به قوت خود باقی است. اگر مولا گفت «أكرم العلماء یا اكرم العالم» و فقط مصداق خارجی فقها غلبه داشت، در اینجا هر چند که غلبه با فقهاست، اما عنوان «عالم» همان‌طور که بر فقیه منطبق است، بر مصداق دیگر عالم مثل عالم به فلسفه و تفسیر و تاریخ و... نیز منطبق می‌باشد.

۱. وسائل الشیعه: باب ۱ من ابواب صلاه المسافر، حدیث ۱۳.

۲. المصدر: باب ۲ من ابواب صلاه المسافر، حدیث ۱۱.

بعضی دیگر، مثل صحیح زرارہ از امام باقر علیہ السلام: «قصر نماز در (طی) یک برید است، و یک برید چهار فرسخ است» ملاک را چهار فرسخ قرار داده است.

وثالث، کصحيح معاوية بن وهب: «قلت لابي عبد الله عليه السلام ادنى ما يقصر فيه المسافر الصلاة؟ قال: برید ذاهبا و برید جائيا» جعل المدار على البرید ذاهبا اذا انضم اليه البرید جائيا.

و گروه سوم، مثل صحیح معاویہ و هب: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: کمترین مقداری که نماز قصر می شود چیست؟ فرمود: چهار فرسخ برود چهار فرسخ برگردد» که ملاک را رفتن چهار فرسخ به ضمیمه برگشتن چهار فرسخ قرار داده است.

و بالثالث يحصل الجمع بين الاولين. بل في صحيح محمد بن مسلم عن ابي جعفر عليه السلام «سألته عن التقصير، قال: في برید. قلت في برید؟ قال: انه ذهب بریدا و رجع بریدا فقد شغل يومه<sup>۲</sup>» تصریح بذلک.

با روایات دسته سوم بین دو دسته اول جمع می شود، و در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام تصریح به تلفیق شده است: «سؤال کردم از حضرت در مورد قصر نماز، حضرت فرمود: چهار فرسخ، گفتم: چهار فرسخ؟ فرمود: همانا چهار فرسخ رفته و چهار فرسخ برگشته است پس آن روز را فرا گرفته است».

۷. و أما عدم اعتبار الرجوع في نفس اليوم في المسافة الملققة خلافا لبعض، فلاطلاق صحیحة معاوية بن وهب المتقدمة: «قال: برید ذاهبا و برید جائيا».

اما این که معتبر نیست در همان روز برگردد در صورتی که طی مسافت به صورت تلفیقی باشد، بر خلاف قول بعضی از علما، به خاطر اطلاق صحیح معاویہ بن وهب است که گذشت «فرمود: چهار فرسخ می رود و چهار فرسخ بر می گردد».

و دعوى انصرافها الى العود في نفس اليوم او الليلة لا وجه لها خصوصا في ذلك الزمان.

و ادعای این که این روایت انصراف دارد به برگشت در آن روز یا آن شب، وجهی ندارد، مخصوصا در آن زمان

(زمان معصومین که طی مسافت به سختی صورت می گرفت). SCO۱۱۱:۴۴

### دلیل اعتبار بقاء قصد مسافر بر سفر

یکی دیگر از شرطهای تحقق سفر شرعی این است که مسافر در طول سفر به قصد خود باقی باشد و از قصد سفر اعراض نکند.

برای اثبات این مطلب، فرضهایی را که در صورت عدم استمرار قصد سفر قابل تصور است ذکر کنیم.

اگر مسافر قصد ادامه سفر را نداشته باشد، دو صورت دارد:

۱. یا بر می گردد و به طی مسیر ادامه نمی دهد. در این صورت لازم است که نماز را تمام بخواند، چون شرط قصر نماز که طی هشت فرسخ است محقق نشده تا بتواند نماز را قصر بخواند.

۱. المصدر: باب ۲ من ابواب صلاة المسافر، حدیث ۲.

۲. المصدر: باب ۲ من ابواب صلاة المسافر، حدیث ۹.



۲. یا بر نمی‌گردد و به طی مسیر ادامه می‌دهد. در این صورت هم باز بر او واجب است که نماز را تمام بخواند، دلیل این مطلب موثقه عمار از امام صادق علیه السلام است که نقل می‌کند: از حضرت سؤال کردم در مورد کسی که برای کاری سفر می‌کند و پنج یا شش فرسخ را طی می‌کند و به آبادی رسیده و در آن جا اقامت می‌کند، سپس از آن جا حرکت کرده و باز هم پنج یا شش فرسخ دیگر را طی می‌کند و دوباره در آن مکان اقامت می‌کند، حضرت فرمودند: این فرد مسافر محسوب نمی‌شود مگر این که از منزل یا شهر خود هشت فرسخ را طی کند، - چون از ابتدا از منزل یا شهر خود قصد هشت فرسخ را نداشته - پس نمازش کامل است.

با توجه در این روایت با این که فرد حدود ده یا دوازده فرسخ را طی کرده است، امام علیه السلام می‌فرمایند که او مسافر نیست، با این که مقدار مسافت شرعی حتی بیشتر از آن را طی کرده است، حال سؤال این است که نکته این مطلب چه چیز می‌تواند باشد؟ با اندکی تأمل به دست می‌آید که چون قصد طی هشت فرسخ را نداشته و طی مسافتی که کرده با قصد نبوده است لذا حضرت حکم به مسافر نبودن او کرده‌اند.

نتیجه این است که این روایت قصد طی هشت فرسخ و استمرار قصد را در طول مسیر شرط می‌داند. «FG»

- ادله برخی از احکام نماز مسافر
۱. عدم لزوم رجوع در همان روز رفت، در مسافت تلفیقی: اطلاق صحیحه معاویه بن وهب.
  ۲. عدم قصر نماز در صورت عدم استمرار قصد در صورت رجوع: عدم تحقق مسافت شرعی.
  ۳. عدم قصر نماز در صورت عدم استمرار قصد در صورت استمرار سفر: موثقه عمار.

### تطبیق

۸. و أما اعتبار استمرار القصد، فلأنه مع عدمه اما أن يفرض الرجوع و عدم الاستمرار فی قطع المسافة، و لزوم الإتمام فيه واضح لعدم تحقق قطع المسافة الذی هو شرط التقصير، او يفرض الاستمرار فی قطع المسافة، و فی مثله يجب الإتمام ایضا.

اما این که معتبر است قصد سفر استمرار داشته باشد، به خاطر این است که اگر قصد او استمرار نداشته باشد، یا فرض می‌شود که بر می‌گردد و مسافت را به صورت مستمر طی نمی‌کند، لازم بودن اتمام نماز در این صورت واضح است چون طی مسافت که شرط قصر بود محقق نشده است، و یا استمرار در طی مسافت هست (اما قصد ندارد)، در این صورت هم واجب است نماز را کامل بخواند.

لأن ظاهر موثقة عمار عن ابی عبد الله علیه السلام «سألته عن الرجل یخرج فی حاجة فیسیر خمسة فراسخ او ستة فراسخ و یأتی قرية فینزل فیها ثم یخرج منها فیسیر خمسة فراسخ اخرى او ستة فراسخ...

چون ظاهر موثقه عمار از امام صادق علیه السلام «سؤال کردم از حضرت در مورد کسی که برای حاجتی خارج می‌شود و پنج یا شش فرسخ را طی می‌کند و به آبادی می‌رسد و در آن می‌ماند سپس پنج یا شش فرسخ را طی می‌کند...

لا يجوز ذلك ثم ينزل في ذلك الموضع، قال: لا يكون مسافرا حتى يسير من منزله او قريته ثمانية فراسخ فليتم الصلاة<sup>۱</sup> اعتبار القصد و اعتبار استمراره.

و از آن مسافت تجاوز نمی‌کند سپس در همان مکان می‌ماند، حضرت فرمود: مسافر نیست مگر این که از منزل یا آبادی خودش هشت فرسخ برود، پس باید نماز را کامل بخواند<sup>۲</sup> معتبر بودن قصد و مستمر بودن قصد طی مسافت است. SCO۲۰:۳۴

### دلیل اعتبار عدم قصد عبور از وطن<sup>۲</sup> در قصر نماز

یکی دیگر از شرایط تحقق سفر شرعی این است که مسافر وقتی می‌خواهد سفر خود را آغاز کند قصد عبور از وطن خود را نداشته باشد. برای اثبات این مسأله لازم است دو مطلب ذکر شود تا در ضمن توضیح آن، دلیل این مسأله روشن شود.

مطلب اول: علت این که عبور از وطن در طول سفر باعث قطع حکم سفر می‌شود، هر چند از قبل هم قصد عبور از وطن را نداشته باشد، چیست؟ مثلا کسی در بین مسافرت به زادگاه خود می‌رسد، واضح است که در آن جا باید

۱. المصدر باب ۴ من ابواب صلاه المسافر، حدیث ۳.

۱. فقها وطن را به سه نوع تقسیم می‌کنند:

۱. وطن اصلی که محل تولد شخص است و پدر و مادر وی در آن زندگی می‌کنند. کودک به تبعیت از پدر و مادر نوعی علاقه حقوقی با محل سکونت پدر و مادر پیدا می‌کند که پس از رسیدن به سن بلوغ نیز از آثار فقهی آن برخوردار می‌گردد. داشتن علاقه‌ی مالکیت در این زمین، تأثیری در آثار حقوقی این وطن ندارد.

۲. وطن عرفی که به معنی محل سکونت جدیدی است که شخص در خارج از وطن اصلی خود انتخاب می‌کند و قصد سکونت دائمی در آنجا برای صدق عنوان وطن عرفی، کافی است و لزومی ندارد علاقه‌ی مالکانه در این وطن داشته باشد. چنین شخصی هرگاه مدتی در وطن جدید اقامت گزید که از نظر عرف مردم، وطن او محسوب شود، از آن هنگام آثار حقوقی و فقهی وطن بر او مترتب خواهد شد.

این مدت که برای صدق عرفی وطن لازم است، در مورد اشخاص متفاوت می‌باشد، و با شرایط زندگی، شغل و محیط متغیر می‌باشد، چه بسا در مورد برخی، با یک ماه اقامت عرفا صدق وطن می‌کند و در مورد برخی دیگر گاه کمتر از آن نیز کفایت می‌نماید.

در هر حال فقها تصریح می‌کنند که اقامت ۶ ماه ضرورتی ندارد، ولی قصد سکونت دائمی، محقق اصلی عنوان وطن عرفی می‌باشد. بعضی از فقها قصد اقامت دائمی را نیز شرط ندانسته‌اند، ولی شرط کرده‌اند که قصد اقامت وی محدود به زمان معین نباشد. بسیاری از فقها قصد را نیز معتبر ندانسته و عنوان وطن را با طول اقامت نیز صادق دانسته‌اند. بدین ترتیب شخص واحد می‌تواند دارای بیش از یک وطن باشد.

۳. وطن شرعی که در بعضی از روایات از آن به استیطان تعبیر شده است.

ابن بزیع، از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام نقل می‌کند: فقلت: ما الاستیطان؟

فقال: ان یكون فیها منزل یقیم فیہ ستہ اشهر فاذا كان کذلک یتم فیها متی دخلها.

در صدق وطن شرعی، فقها دو شرط اساسی قائل شده‌اند:

اول- اقامت حد اقل ۶ ماه.

دوم- داشتن ملک.

ولی بسیاری از فقها وطن شرعی را معتبر ندانسته و آن را فاقد اثر فقهی و حقوقی شمرده‌اند.

منبع: فقه سیاسی، عمید زنجانی؛ ج ۳، ص: ۲۲۶.

نمازش را تمام بخواند چون در وطن خود قرار گرفته است؛ و اگر بخواهد دوباره از آن جا مسافرت کند باید قصد سفر جدید کند، و نمی‌توان گفت مسافتی که قبل از رسیدن به وطن طی کرده جزو محدوده سفر محسوب می‌شود. کسی که از وطن دوم که در بین سفر به آن رسیده شروع به مسافرت می‌کند، مثل کسی است که از وطن اول سفر را آغاز کرده است، لذا دلیل وجوب قصر نماز در مورد هر دو حکم می‌کند که نمی‌تواند نماز را قصر بخواند مگر بعد از قصد طی کردن هشت فرسخ از وطن، چون فرقی بین وطن‌ها وجود ندارد. وطن اول و وطن دوم هر دو دارای یک حکم هستند.

پس تا این جا روشن شد که عبور از وطن موجب قطع سفر است، هر چند قصد آن را هم نداشته باشد. و در درس بعدی به بیان مطلب دوم در اثبات حکم این مسئله خواهیم پرداخت.

### تطبیق

۹. و أما اعتبار عدم قصد المرور بالوطن، فلا بد لاستيضاحه من بیان امرین:

اما این که معتبر است قصد عبور از وطنش را نداشته باشد، برای واضح شدن آن باید دو مطلب بیان شود: احدهما: لم كان المرور بالوطن و لو بدون قصد مسبق قاطعا لحکم السفر بحيث يحتاج الى قصد مسافة جديدة و لا يضم ما سبق الى ما يأتي؟

مطلب اول: چرا عبور از وطن هر چند بدون قصد عبور از آن، حکم سفر را قطع می‌کند به گونه ای که نیاز به قصد طی مسافت جدید دارد، و مسافت طی شده به مسافتی که می‌خواهد طی کند ضمیمه نمی‌شود؟  
ذک لأن الخارج من وطنه الثاني كالخارج من الأول في أن دليل وجوب القصر يحكم عليه بعدم القصر إلا بعد قصد ثمانية فراسخ من بعد الوطن لعدم الفرق بين الوطنين.

این مطلب به این خاطر است: کسی که از وطن دوم خارج می‌شود مانند کسی است که از وطن اول خارج شده است، در این که دلیل وجوب قصر نماز حکم می‌کند بر این فرد بر این که نمی‌تواند نماز را قصر کند مگر بعد از قصد طی هشت فرسخ از وطنش، چون بین دو وطن فرقی وجود ندارد. SCO۳♦۲۸:۴۲

## چکیده

۱. طی هشت فرسخ به صورت تلفیقی، یعنی چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت نیز در صدق سفر کفایت می‌کند.
۲. در مورد چگونگی طی مسافت شرعی، سه دسته روایت وارد شده مثل موثقه سماعه که به مقدار مسافت یک روز، صحیحه زراره که چهار فرسخ، و صحیحه معاویه بن وهب که چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت را ذکر کرده‌اند.
۳. صحیحه معاویه بن وهب قرینه می‌شود برای جمع بین موثقه سماعه و صحیحه زراره.
۴. روایت محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام تصریح در این دارد که طی مسیر تلفیقی نیز در صدق سفر کفایت می‌کند.
۵. در صورتی که فرد مسیر را به صورت تلفیقی طی می‌کند، لازم نیست رفت و برگشت او در یک روز باشد.
۶. قصد طی مسافت شرعی در طول سفر باید استمرار داشته باشد، در غیر این صورت عنوان مسافر بر او صدق نمی‌کند.